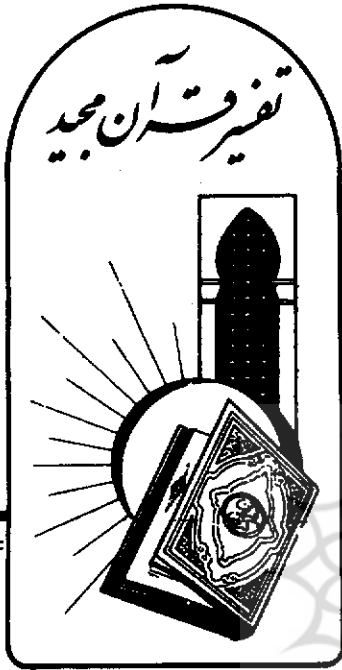


بر اساس تفسیر موضوعی



منشور دوم از منشورهای دهگانه

سیاهی ملکوتی والدین در قرآن

بکتای او است ، والدین مربی وجود او ،
و پرورش دهنده بسیاری از استعدادها و شایستگی
های او می باشند .

آنجا که قرآن این چنین می فرماید « و
قضى ربك الا تعبدوا الا اياه وبالوالدين
احساناً » . اسراء آیه ۲۳ :

خداوند فرمان داده است که جز او را
نپرستیم و به والدین نیکی کنیم و به همین مضمون
در سوره های بقره آیه ۸۳ ، سوره نساء آیه
۲۲ نیز وارد شده است .

۳ - در دومورد ، پس از نهی ازدوگانه

اساس دعوت تمام پیامبران آسمانی ،
این است که ذات یکتارا پرستیم ، و از پرستش
غیر او بپرهیزیم ، و پایه تکامل تمام انسانها
را ، توحید و یکتا پرستی تشکیل می دهد و
دستورهای دیگر پیامبران ، برای تحقق بخشیدن
به چنین آرمان مقدس می باشد .

۲ - در نمایاندن مقام پدر و مادر همین بس
که قرآن در سه مورد پس از دستور یکتا پرستی ،
مسأله نیکی به پدر و مادر را پیش می کشد و به
آن فرمان می دهد ، تو کوئی احترام به این
دو مربی بزرگ ، پس از پرستش خدا ، در
دومین مرحله از اهمیت قرار گرفته است اگر
خداوند جهان ، آفریننده انسان ، و خالق

پرستی، که ملازم بایکنا پرستی است مسئله نیکی
پدر و مادر را مطرح می نماید، آنجا که میفرماید:
و لا تشرکوا به شیئا و بالوالدین احساناً
«نساء آیه ۳۶»

برای خدا شریکی قرار ندهید و به پدران و
مادران نیکی کنید، و به همین مضمون است
آیه ۱۵۱ سوره انعام که تعیین کننده موضوع
بحث ما می باشد.

۴ - قرآن سیمای ملکوتی والدین را به
این طریق ترسیم می کند که سپاس خدا و سپاس
پدران و مادران را در کنار یکدیگر قرار می دهد
و به سپاسگزاری خدا و والدین فرمان می دهد
و میفرماید: ان اشکرلی و لوالدیک الی المصیر
لقمان آیه ۱۲: برای من و پدران و مادران،
سپاس گزار باش بازگشت شما به سوی من
است.

۵ - در برخی از آیات به منظور ایجاد
توجه در دیگران از حضرت سلیمان، و افراد
صالح نقل می کند که آنان در مقام دعاء، از
خداوند می خواستند که آنان را موفق گرداند
شکر نعمت هائی را که بر خود آنان و والدینشان
ارزانی داشته است به جا آورند آنجا که
می فرماید «رب اوزعنی ان اشکر نعمتک
التي انعمت علی و علی والدی» سوره
نمل آیه ۱۹ خداوند امراتو اناساز که شکر نعمت
هائی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته ای
به جا آورم. به همین مضمون در سوره احقاف
آیه ۱۰ نیز وارد شده است. تو گوئی میان
آنان و فرزندان، آنچنان وحدت و یگانگی حکم
فرماست که نعمتی را که خداوند بر والدین انسان

ارزانی داشته است مثل این است که برخورد
فرزند ارزانی داشته است و انسان موظف
است شکر و سپاس هر دو را به جا بیاورد.

۶ - روی این اساس است که قرآن در
مقام بیان نعمت هائی که به مسیح ارزانی داشته
است تذکر می دهد که نعمتی را که بر او و بر
مادرش ارزانی داشته است متذکر گردد چنانکه
می فرماید:

واذکر نعمتی علیک و علی والدتک
(مائده ۱۱۰) بیاد آر نعمتی را که بر تو و بر مادرت
داده ام.

۷ - قرآن در ترسیم سیمای عطا و
مهربان حضرت مسیح، به این نکته توجه
می دهد که وی افتخار می ورزیدند که خداوند
مرا نسبت به مادرم، رؤف و مهربان قرار
داده است آنجا که می فرماید:

و برا بوالدتی ولم یجعلنی جباراً
شقیماً (مریم آیه ۳۳): مرا به مادرم نیکو
کار قرار داده و گردنکش و نافرمان نیافریده
است.

۸ - قرآن یاد آور می شود که مهر و مودت
والدین به دوران حیات آنها اختصاص ندارد
بلکه باید پس از درگذشت آنها، پیوسته به
یاد آنها بود و از خداوند در باره آنان طلب
مغفرت و آمرزش کرد، آنجا که از حضرت نوح
این چنین نقل می کند: «اغفر لی و لوالدی
ولمن دخل بیتی مؤمناً» (نوح آیه ۲۸)
پروردگارا مرا و پدر و مادرم را و آن کس که بخانه
من با ایمان وارد گردد، بیامرز همچنانکه
از ابراهیم خلیل پس از بناء کعبه این چنین

نقل می کند :

« ربنا اغفر لی ولوالدی وللمؤمنین
یوم یقوم الحساب » پروردگارا مرا و
والدینم و افراد با ایمان را روزی که حساب
برها می گردد بیامرز این جا است که ارزش
سخن امام صادق برای ما روشن می گردد
آنجا که می فرماید : مرگ والدین نباید سبب
قطع رشته خدمات گردد بلکه باید پس از مرگ
به آنها نیکی کرد برای ایشان نماز گزارد و
روزه گرفت و حج انجام داد ، خداوند همان
ثوابی را که برای آنان مقرر داشته است
برای فرزند هم عطا می کند .

پیامبر گرامی (ص) فرمود : نیکوکارترین
شما کسی است که به پدر و مادر خویش پس از
مرگ نیکی کند. (۱)

۹ - برای این که روشن گردد که مقصود
از نیکی یا مهر و مودت به والدین این نیست
که فقط تبسم های خشک و بی مغز در برابر
آنان بر لبانمان نقش بندد هر چند خود این کار
مطلوب است ، به روشنی تبسم می دهیم که
باید به فکر زندگی پدر و مادر باشیم و فرزندان
ثروتمند وصیت کنند که مبلغی به والدین آنان
بپردازند چنانکه می فرماید : ان ترک خیراً
الوصیة للوالدین (بقره آیه ۱۸۰) اگر مالی
گذارند ، برای پدر و مادر وصیت کنند .

۱۰ - نه تنها دستور می دهد که وصیت کنند
که مبلغی از مال خودشان به آنان بپردازند
بلکه والدین را بهترین مورد اتفاق معرفی

می کند چنانکه می فرماید : قل ما انفقتم من
خیر فللوالدین (بقره آیه ۲۱۵) می پرسند
در راه خدا چه چیز اتفاق کنیم بگو در باره
پدران و مادران از مال خود اتفاق کنید :

۱۱ - پدران و مادران ، دردوران پیری
و فرتوتی بیش از همه وقت به کمک فرزندان
نیازمند می باشند و درخواست های آنان در این
سن و سال بیش از حد بوده و بیرون از حساب
خواهد بود در این موقع گفتن سخن ملال آفرین
و تندید با آنان ، مایه ناراحتی آنها می گردد
زیرا انتظار دارند که در این فصل از فصل
عمر که قوای جسمانی خود را از دست داده اند
قدرت و احترام پدری آنان باز محفوظ بماند ،
روی این جهات قرآن در آیه زیر ، در باره
خصوصی این فصل از زندگی آنان دستور می دهد

که « اما یبلغن عندک الکبر احد هما او
کلاهما فلا تقل لهما اف ولا تنهرهما و
قل لهما قولا کریماً » (اسراء آیه ۲۳)
اگر یکی از ایشان پیر یا هودو ، نزد تو به پیری
رسیده اند ، به آنان سخن بگو که حاکی از ملول شدن
آنها باشد مگو تندید مکن و بانر می سخن بگو .

۱۲ - بار دیگر قرآن بر می گردد انجام
این دستورهای منفی را (سخن ملال آمیز نگفتن
تندی نکردن) در حفظ مقام و موقعیت والدین
کافی نمی داند در آیه بعدی یک رشته دستورهای
مثبت می دهد که می تواند در قلوب پدر و مادر
بیر ، وجد و سرور ، نشاط و فرح بیافریند
چنانکه می فرماید : « و اخفض لهما جناح
الذل من الرحمة و قل رب ارحمهما کما
ربانی صغیراً . پرو بال محبت خود را

برای آنان بگستران و بگو خدایا همانطور که مرا از کودکی پرورش داده اند رحمت خود برای آنان بفرست .

امام صادق در تفسیر این دونوع وظیفه مختلف این چنین می فرماید :

اگر تو را ملول ساختند مگواز شهادتنگ و ملولم ، و اگر ترسان راحت کردند آنان را مترسان و پر خاش مکن و در باره آنان بگو خدایا آنان را بیامرز .

با آنان به ملاطفت سخن بگوی و آنها را با آغوش باز بپذیر ، جز به رفت و مهربانی به ایشان نگاه مکن ، صدای خود را از صدای آنان بلندتر مساز ، دست خود را بالای دست آنان قرار نده و در راه رفتن بر آنها پیشی مگیر (۲)

احترام محدود

۱۳ - قرآن اگر چه با بیانات گسترده ، انسان را به بزرگداشت و الدین و اطاعت و فرمانبری از آنان دعوت کرده است ولی در عین حال نکته جالب توجهی را یاد آور شده است ، و آن این که مهر و مودت فرزند به والدین نباید کور و کورانه و بی حساب باشد و سبب گردد که پاز مرز عدالت فراتر نهند اگر آنان را ظالم و مستمر تشخیص دهد نباید از شهادت برحق ، خودداری کند چنانکه می فرماید :

يا ايها الذين آمنوا كونوا قوامين بالقسط شهداء لله ولو على انفسكم او الوالدین والاقربین (نساء آیه ۱۲۰) ای افراد با ایمان عدالت را بپا دارید برای خدا گواهی دهید هر چند به ضرر خود و یا پدر و مادر و خویشان باشد .

و یا اگر پدر و مادر انسان را به شرك و بت پرستی و انحراف از جاده حق دعوت کردند باید در برابر آنان مقاومت نشان دهد و عواطف فرزندى نباید ما را به خلاف حقیقت بکشد چنانکه می فرماید :

وان جاهداك على ان تترك بي ما ليس لك به علم فلا تطعهما لقمان آیه ۱۵ اگر بکوشند چیزی را که به آن علم نداری برای من شريك قرار دهی ، آنان را اطاعت مکن .

امیر مؤمنان در جمله کوتاهی به حق اطاعت محدود والدین اشاره می کند و می فرماید :

فحق الوالد علی الولدان یطیعه فی کل شیء الا فی معصیه الله (۲) حق پدر و مادر بر فرزند این است که از پدر فرمان ببرد جز در مواردی که گناه محسوب گردد .

جوانی مسیحی اسلام آورد و پس از مراسم حج خدمت امام صادق رسید و وضع داخلی خانواده خود را شرح داد و معلوم شد مادر نایبائی دارد - امام فرمود : مواظب مادرت باش و به اونیکی کن وقتی مرد ، جز تو کسی متصدی دفن و تجهیز او نشود ، خودت مراسم دفن او را انجام بده ملاقات خود را بامن به کسی مگو تا ترا در منی ملاقات کنم . . .

جوان تازه مسلمان می گوید به منی آمدم مردم چنان دور و برش را گرفته بودند و سؤال های مختلفی می کردند که گوئی دارد به کودکان درس می دهد . . . بکوفه باز گشتم

۱ - وسائل الشیعه ج ۱۴

۲ - اصول کافی ج ۲ ص ۱۶۰

از : سعیدی سیرجانی

باستم ساختن

مرا از جهانی به کم ساختن
 به از پشت ، زی سفله ، خم ساختن
 گنا هست در کیش آزادگان
 هنر ، پای بند درم ساختن
 نه مردیست با جور نامردمان
 به سودای خام کرم ، ساختن
 به نیروی طبع سخن آفرین
 فرومایه ای را ، علم ساختن
 دلی را که آئینه ایزدیست
 سیاه از غم بیش و کم ساختن
 قلم گریستم پیشه ای را ستود
 بباید ، بنان را قلم ساختن
 چه نازم به شمعی که در بزم جمع
 همش « سوختن » بود وهم « ساختن »
 مرا مرگ ، شیرین تر آید به کام
 که عمری به رنج والم ساختن
 بیکباره جان ، درستم سوختن
 مرا بهتر از باستم ساختن

بمادرم زیاد خدمت و مهربانی کردم ، خودم
 به او غذا دادم و سر و لباسش را و ارس می کردم
 مادرم گفت پس عوض شده ای قبله که در
 دین ما بودی چنین رفتار نمی کردی از روزی
 که هجرت کرده و بدین حنیف (اسلام) در آمده ای
 این همه خوش رفتاری می کنی این دگرگونی
 چیست ؟

گفتم یکی از فرزندان پیامبر (ص) بمن
 چنین دستور داده است گفت او پیامبر است ؟
 گفتم نه ، فرزند پیامبر است گفت او پیامبر
 است ، اینگونه دستورها از پیامبران است .
 گفتم مادر پس از پیامبر ما ، پیامبری
 نخواهد آمد و فرزند پیامبر است گفت پس بدین تو
 بهترین دین است مرا نیز تعلیم ده اسلام را به او
 عرضه داشتیم مسلمان شد دستورها ی اسلام را
 به او آموختم نماز ظهر ، عصر ، مغرب و عشاء
 را بجا آورد و همان شب کسالتی عارض او
 شد .

گفت : عزیزم آنچه به من آموختی دوباره
 تکرار کن من هم تکرار کردم و او با شادی و
 خرسندی از دنیا رفت صبح شد مسلمانان جمع
 شدند او را غسل دادند و من هم بر جنازه اش
 نماز خواندم و به خاکش سپردم .

